

بالفارسية حدای تعالی می گوید
که با محمد ترا یا رومهاون خدا بر است
وازمونسان عمر ابن خطاب رضی الله عنه
حکایت زید ابن ثابت گوید رضی الله عنه
که روزی عمر بن خطاب را دیدم در ایام
خیلاف وی که مشکلی آب بردوش نهاده
می آمد کفتم یا امیرالمومنین این چه حال است
و این چیست که تو می کنی گفت یا زید حموش
که این ساعت رسولان سلطان روم در
پیش من بودند و با من می گفتند که در همه
عالم کسی نیست که ترا بر عدل و راستی تو

دوست می دارد نفس من بخوش آمد
بخویشتر باز نیکو است می تو رسم که تکبر
در سر گیرد این مشکل آب بر کفتم تا آن
تکبر در نفس خود بشکنم از آب را بسوار
پیر زنی برد و بیرون آمد **الحديث**
الثامن والثلاثون روی چابربن
عبدالله رضی الله عنه قال مات رجل في
المدينة ولم يشهد النبي صلى الله عليه
وسلم جنازته فقيل يا رسول الله ما رأيناك
ترك الصلاة على احد غير هذا فقال
انه يبغض اميرالمومنين عثمان بن عفان